ژورنال

شماره ۵۷۰

۷ نوامبر ۲۰۲۳ – ۱۶ آبان ۱۴۰۲ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

حکومت درمانده و قیام علیه اعدام

حسن صالحی

”دمکراسی اسلامی“، گورستان کودکان

سینا پدرام

”حزب الله“ و مردم ایران

جلیل جلیلی

مردم بیمارستان میخواهند نه مسجد!

میلاد رسایی منش

دروغی به نام وطن پرستی!

محسن ابراهیمی

کمپ لنگرود و قربانیان رژیم مرگ و اعتیاد

اصغر کریمی

حکومت درمانده و قیام علیه اعدام

حسن صالحی

بعد از حضور تلویزیونی میرزا ولی عجمیان، پدر روح‌الله عجمیان بسیجی‌ای که روز ۱۲ آبان ۱۴۰۱ در جریان حمله نیروهای رژیم به مردم کشته شد جامعه وارد بحث و گفتگویی پرحرارت در باره اعدام و بطور مشخص صدور احکام اعدام علیه معترضین انقلاب زن زندگی آزادی شده است. پدر بسیجی کشته شده با شرکت در یک برنامه زنده تلویزیونی به اعدام جنایتکارانه عزیزان ما یعنی محمدمهدی کرمی و محمد حسینی بسنده نکرد و بیشرمانه خواهان اجرای حکم اعدام برای شمار بیشتری از متهمین این پرونده شد. وی از حکومت گلایه کرد

که چرا با اعمال نفوذ کسانی چون ولایتی مثلا حمید قره حسنلو فقط به ۱۵سال حبس محکوم شده است. او بعد از طرح این مسئله برنامه را ترک کرد. این حرف خشم شهروندان زیادی را برانگیخت و مردمی که از اعدام و توحش لجام گسیخته جمهوری اسلامی به ستوه آمده اند در شبکه های اجتماعی به میرزا ولی عجمیان حسابی تاختند و حقش را کف دستش گذاشتند. حالا خانواده قره حسنلو اعلام کرده است که می خواهد فرصتی در تلویزیون داشته باشند تا از خود به دفاع برخیزند.

جمهوری اسلامی با آوردن به اصطلاح یک پدر "شهید" حزب اللهی به تلویزیون تلاش داشت تا از نیروهای خود دلجویی و در همانحال اعدام معترضین را توجیه کند اما این حرکت در هر دو مورد به ضد خودش

تبدیل شد و برای حکومت رسوایی ببار آورد.

نفس اینکه حزب اللهی های طرفدار رژیم که فرزندانشان در خیابان به سرکوب مردم معترض مشغول بوده اند این احساس را دارند که حکومت به اندازه کافی پشت آنها را نگرفته است نشان از شکاف عمیقی دارد که انقلاب مردم در صفوف رژیم بوجود آورده است. قطعا این مسئله باعث ریزش هر چه بیشتر نیروهای رژیم از درون خواهد شد.

در ثانی رژیم اسلامی با این حرکت عملا بجای اینکه بتواند به دارآویختن معترضین را توجیه کند باعث خشم بیشتر مردم علیه جنایات رژیم شد. جواب محکمی که مردم به این پدر بسیجی دادند جوابی بود که در واقع به رژیم آدمکش جمهوری اسلامی

دادند. مردم حکومتِ اعدام نمی خواهند و خواهان برچیده شدن این بساط آدمکشی و جنایت هستند و هر زمان که فرصت یابند خشم و اعتراض خود علیه اعدام و بویژه اعدام معترضین را به نمایش می گذارند. و این دقیقا همان شیوه ایست که ما باید برای متوقف کردن همه اعدام ها در ایران به آن متوسل شویم: قیام علیه اعدام و آدمکشی!

سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲

۷ نوامبر ۲۰۲۳

"دمکراسی اسلامی"، گورستان کودکان

سینا پدرام

به گزارش رسانه‌های مختلف ایران، ابراهیم رئیسی در تماسی تلفنی با یوناس گاهر اشتوره، نخست‌وزیر نروژ، حماس را "دولت قانونی و مشروع غزه" توصیف کرد و گفت: "جنگ با حماس، جنگ با دموکراسی است". همچنین خبرگزاریهای ایران به نقل از نخست‌وزیر نروژ نوشتند که "جهان امروز در وضعیت پیچیده و دشواری قرار دارد" و اینکه او از نقش موثر رژیم اسلامی در تنش زدایی در منطقه قدردانی کرد.

جهان امروز بدون شک در "وضعیت پیچیده و دشواری" است. اما باید اضافه کرد جهانی است پر

از جنایتکاران جنگی و "سیاستمداران" عاری از شرم که به این دشواری دامن میزنند؛ پر از پرسناژهایی که فقط وارونگی جهان ما را به نمایش میگذارند و خود نمایندگان برجسته این وارونگی هستند.

دفاع ابراهیم رئیسی از گروه تروریستی حماس که رهبرانشان مانند سران رژیم اسلامی در کاخ های خود نشسته اند و مردم بی دفاع غزه را زیر بمبارانهای بیرحمانه فاشیستهای دولت نتانیاهو رها کرده اند، دفاع بی شرمانه ای بیش نیست. ربطی به هیچ چیزی ندارد جز وحشت این جنایتکار حرفه ای از حذف حماس و یکی از هم پیمانان خود از صحنه سیاسی منطقه.

کارنامه خود رئیسی به عنوان یک جنایتکار، عضو هیئت

مرگ دهه ۶۰، سرکوبگر خیزش های مردمی و مردم بپاخاسته در انقلاب زن زندگی آزادی و رئیس دولت "بچه کش" بر کسی پوشیده نیست.

از سوی دیگر جهان غرب و بلوک رقیب و غیره با چشم پوشی از نقش جمهوری اسلامی در ادامه "مسئله فلسطین" در اصل از "سر مار" نگهبانی میکنند. حضور نیروهای نیابتی رژیم اسلامی در منطقه، بهترین بهانه برای نیروهای فاشیستی اسرائیل برای ادامه سرکوب و کشتار مردم و کودکان غزه است. رئیسی و سران حکومت اسلامی بخش بزرگی از بلایی هستند که بر سر مردم غزه آوار شده است. در جهان امروز، تنها دو دولت مخالف راه حل "دو کشور" متساوی الحقوق در فلسطین هستند: اسرائیل و جمهوری اسلامی!

واقعیت این است که تنها و تنها نیروهای مترقی و مردمی و مردم آزادیخواه در سراسر جهان میتوانند این کابوس هولناک در غزه و این ماشین کشتار سیستماتیک فاشیسم یهودی را متوقف کنند. تنها مبارزات و اعتراضات جهانی میتواند، جان هزاران کودکی را که "هنوز" زیر آوار ساختمانها زنده به گور نشده اند و "هنوز" بدنهای کوچکشان پاره پاره نشده اند، نجات دهند. وگرنه غزه را باید گورستان کودکان نامید. جهان متمدن امروز باید به نجات کودکان غزه بشتابد. کودکان شایسته بهترین پشتیبانی هستند.

سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲

۷ نوامبر ۲۰۲۳

"حزب الله" و مردم ایران

جلیل جلیلی

ضرب المثلی است که میگوید هردم ازین باغ بری میرسد . . . و یکی از تازه ترین این برها یا "نوبر"ها منصوره معصومی اصل است که اخیرا گفته: "این مملکت مال حسین و مال حزب اللهی ها است."

عجب تحفه هایی بیرون داده این جمهوری اسلامی؛ زنی که خود را مشاور خانواده معرفی میکند اعلام میکند که ایشان تاب تحمل گلایه های دوستان نزدیک شان، مثل محمد علی ابطهی و محمدجواد آذری جهرمی را هم ندارد و اعتراض میکند که چرا صدا و سیمای جمهوری اسلامی به چنین اشخاصی میکروفن میدهد.

چند وقت پیش هم دختر قاسم سلیمانی به معترضین به حجاب اجباری گفته بود هر کس دوست ندارد جمع کند برود.

مردم ایران جواب نه تنها این عوامل و جیره خواران حکومت اسلامی را بلکه جواب بزرگترهایشان را هم داده اند. این مملکت نه مال حسین است و نه مال حزب حسین و حزب الله. دی ۹۶، آبان ۹۸، و اعتراضات گسترده یکسال گذشته، که به انقلاب زنانه معروف شد، جواب مردم ایران به چنین اراجیفی بود؛ ما ۸۵ میلیون مردم نه میتوانیم و نه میخواهیم برویم، آنچه و آنکس که باید برود شما اقلیت مفتخور و حکومت اسلامی تان است. درست است که شما با توسل به نیروهای مسلح، با توسل به زندان و شکنجه و اعدام این مملکت را به گروگان گرفته و زندگی را به تک

تک شهروندان اش تلخ و ناخوشایند کرده اید ولی دوران شما ها مدتهاست که به پایان رسیده است. فکری به حال خودتان بکنید.

انقلابی که شروع شده است شما انگل ها را از قدرت پایین خواهد کشید، حکومت تان را با تمام دم و دستگاهش و تمام قوانین اش منحل خواهد کرد و جامعه ای را سازمان خواهد داد که در آن همه شهروندان انسانهایی دارای حقوق کاملا برابر خواهند بود، کسی را بر کس دیگر برتری نخواهد بود و ثروت تولید شده برای تامین رفاه و آسایش همه مردم صرف خواهد شد.

سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲

۷ نوامبر ۲۰۲۳

مردم بیمارستان میخواهند نه مسجد!

میلاد رسایی منش

"پایگاه داده‌های باز ایران" در یک گزارش تحقیقی اعلام کرده است که تعداد مساجد در ایران دست کم ۵۵ برابر بیمارستان‌های دولتی، نیمه‌دولتی و خصوصی است. براساس این گزارش، نرخ دسترسی به مساجد دست‌کم در بعضی استان‌ها بیش از دسترسی به مدارس و در بعضی دیگر، بیش از دسترسی به تخت بیمارستانی است.

این خبر بار دیگر مخاطب را یاد این موضوع می اندازد که شهروندان در ایران چقدر بی حقوق، وشاخص های انسانی در ایرانِ زیر چکمه های حکومت اسلامی، تا

چه حد نازل و بی اهمیت هستند. مراکز درمانی که به طور مستقیم با سلامت و حیات انسان ها مرتبط هستند، بودجه ای کم و نا کافی دارند، و در نتیجه آن، تعداد بیمارستانها و کلینیکها کمتر از مراکزی که جز ترویج خرافات و سرباز گیری برای مشارکت در جنایات حکومت خاصیت دیگری ندارند، است. گویی مسلمانی و تمکین به خواسته های حکومت، مهمتر از سالم و زنده ماندن انسان ها در ایران است. این شرایط که از جانب حکومت به مردم تحمیل شده، نه صرفا از سر مذهب زدگی و بیگانگی از اصول ابتدایی اداره یک کشور، که سیاست قتل سیستماتیک و عمدی شهروندان است. نکته تکان دهنده در این میان آنست که بانیان این وضعیت اسفناک، وقتی که خود و یا اطرافیانشان بیمار میشوند،

به بهترین بیمارستان ها در کشورهای سکولار برای درمان سفر میکنند، در حالیکه خیل عظیمی از مردم با از دست دادن جان خود و عزیزانشان، تاوان اسلام در حکومت را میدهند.

بروز چنین وضعیتی در ایران بیش از هر چیز دیگر یادآور این حقیقت است که سکولاریسم و خلاصی از شر حکومت آدم کشان اسلامی، نه یک تفکر لوکس متعلق به روشنفکرانی در غرب است که حکومت اسلامی را نیرویی برخاسته از خواست مردم مذهبی تلقی میکنند، بلکه امری ضروری برای نجات شهروندان از مرگ در ایران است که اتفاقا مردم برای رسیدن به آن بپاخاسته اند.

چه بسا امثال عباس کیارستمی، کارگردان مشهور، و یا علی انصاریان فوتبالیست بنام، و هزاران انسان شریف دیگر که قربانی این سیستم فاسد شده اند، امروز میتوانستند زنده و سالم در کنار خانواده به زندگی خود ادامه دهند. اما افسوس که حکومت فاسد اسلامی به جای بیمارستان مشغول ساختن مسجد و ترویج خرافات اسلامی بوده است. همه اینها نشان میدهد که سرنگونی حکومت و سکولار کردن ایران امری عاجل است. اتفاقی مهم که حتی یک روز به تاخیر افتادنش منجر به از دست رفتن جانهای زیادی میشود.

سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲

۷ نوامبر ۲۰۲۳

دروغی به نام وطن پرستی!

محسن ابراهیمی

”وطن سهم ثروتمندان است و وطن پرستی هم سهم فقرا“

امروز در اینستاگرام کلیپ کوتاهی دیدم که حیفم آمد محتوایش را با خوانندگان ژورنال در میان نگذارم. در این کلیپ، جوانی شعری را به زیبایی دکلمه می کند. شعری زیبا، عمیق و انسانی که تک تک کلمات و جملاتش پنجره ای باز می کند به دنیای سراپا فاسد و دروغین پشت دیوار ”وطن“ پرستی. این شعر، حتما غم انگیز و در عین حال دلنشین برای انسانهایی است که سالها پیش شاهد

تکه پاره شدن جگر گوشه هاشان در جنگ ایران و عراق برای "وطنی" بودند که امروز آیت الله های "هموطن" خاکش را به توبره می کشند؛ "هموطنانش" را به زندان و مرگ و نیستی محکوم می کنند؛ و حتی کودکانش را به گلوله می بندند. "وطنی" که حتی "جانبازان" راهش هم زندگی را در اشک و بغض بی دارویی میگذرانند. چرا؟ چون مثل همیشه "وطن سهم ثروتمندان است و وطن پرستی سهم فقرا"! بی دلیل نیست که حکام اسلامی برای تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی یقه وطنپرستانه میدرانند، اما ثروتهای حاصل از چپاولشان را نه در تنب ها در "وطن" بلکه در گاوصندوقها در خارج، نه به ریال وطنی بلکه به دلار "شیطان بزرگ" انبار میکنند تا آقازاده هایشان نه در "وطن" بلکه در "بلاد کفر" برای خودشان آینده بسازند!

این هم آن شعر زیبا:

احمقانه است که از وطنی دفاع کنم که در آن خانه ای ندارم.
احمقانه است که خود را فدا کنم و فرزندانم بعد از من بی خانمان باشند.
احمقانه است با مرگم مادرم را مریض کنم، در حالیکه او نداند برای چه مرده ام.
خجالت آور است که بعد از خودم همسرم را بمانند طعمه ای برای سگها رها کنم.
وطن آن جایی است که نیازهای زندگی ام را فراهم کند نه مسببات مرگ را.
و وطن پرستی دروغی است که سیاستمدارها آن را اختراع کردند تا به خاطر منافع آنها بمیریم.

من اعتقادی به مردن در راه وطن ندارم. وطن هرگز از دست نمیرود؛ این ما هستیم که از دست میرویم.
زمانیکه وطن دچار جنگی میشود، فقرا را صدا میزنند تا از آن دفاع کنند.
و زمانیکه جنگ تمام میشود، ثروتمندان را صدا میزنند تا غنایم را تقسیم کنند.
لازم است این را به خوبی بدانی:
امروزه در راه وطن سینه قهرمانان پر از گلوله است و جیب خیانتکاران هم پراز ثروت
و آنها که شایسته مرگ نیستند بدست کسانی می میرند که لیاقت زندگی کردن را ندارند

سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲

۷ نوامبر ۲۰۲۳

کمپ لنگرود و قربانیان رژیم مرگ و اعتیاد

اصغر کریمی

هویت ۲۲ نفر از حداقل ۳۲ قربانی آتش سوزی کمپ لنگرود احراز شده است. ۴ نفر از قربانیان کارگران خدماتی و نگهبان کمپ بودند و ۱۸ نفر مددجویانی که داوطلبانه به این کمپ مرگ پا گذاشته بودند به این امید که از اعتیاد نجات پیدا کنند.

اسامی قربانیانی که تا کنون مشخص شده است: ساسان کیهان‌نیا، علی ملکی، تقی هاشمی، حسین شیرزاد اسماعیل دیبایی، نعیم قنبری، علی باخدا، ستار پورمحمد، حمزه خجسته، حسین دادگر، سجاد اژدهاک، آرمان جمهوری، یاسر کفایتی، محراب فلاح،

صمد حق بین، ابوالقاسم نوروزی، مازیار جعفری، افشین راستگو، حسن عزیزی، هادی محمدی، حسن و مهدی.

مددجویان این کمپ دو بار قربانی جمهوری اسلامی شدند. یکبار قربانی اعتیاد که مسئولیتش مستقیما بعهده این نظام است. اعتیاد میلیونی در این مملکت محصول فقر، فلاکت، بیکاری جوانان و نداشتن آینده‌ای روشن، فرهنگ عزا و ضد جامعه، فقدان تفریحات سالم برای اکثریت مردمی که آقازاده و از ژن برتر! یا متعلق به اقلیت کارفرمایان و پیمانکاران بیرحم و رانتخوار نیستند. بار دوم نیز قربانی حکومتی شدند که ارزشی برای انسان‌ها قائل نیست. آنها به امید ترک اعتیاد به این کمپ پا گذاشتند. اما بجای اینکه شخصیت‌شان را بازیابند، اعتماد بنفس پیدا

کنند و به زندگی برگردند، تحقیر و شکنجه شدند و شلاق خوردند، مورد توهین قرار گرفتند و سرانجام اسیر آتش شدند. حتی راه فراری برای آنها باقی نگذاشته بودند. اینجا کمپ نبود زندان و شکنجه‌گاه بود مانند سایر زندان‌های حکومت.

این حکومت شکنجه و مرگ و عزا و تباهی است. حکومت جهل و فساد، حکومت سازمانده جهنم واقعی برای اکثریت مردم و بهشت برای اقلیت حاکم، حکومتی که به سفره خالی مردم هم رحم نمیکند تا همه امکانات را به حلقوم طفیلی‌ها و بیکاره‌های حاکم و نهادهای مذهبی، به ارگان‌های سرکوب و گروه‌های اسلامی شبیه خودش در خاور میانه بریزد. راه حل واقعی چیزی جز یک انقلاب زیر و رو کننده نیست. این نظام باید با تمام ارگان‌های مذهبی و

سرکوبش، قوانینش و تمام بنیادهایش در هم شکند تا نظامی انسانی بنا شود.

ایران کشوری بسیار غنی است. میتوان در این کشور بهشتی برای همه ساکنینش ساخت که دیگر نه خبری از فقر و بیکاری و تبعیض و سرکوب و تحقیر باشد و نه از اعتیاد و تن فروشی و خودکشی و افسردگی و هزار مصیبت و فاجعه دیگر. میتوان و باید جامعه‌ای ساخت که از اسارت طبقاتی، از بردگی مزدی، از اسارت معنوی و از حقارتی که این نظام به مردم تحمیل میکند رها شده باشد.

سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲

۷ نوامبر ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال